

مجلس قدس و بساط بزم

فرامرز دانش‌پژوه

ذکر اول مجلس من‌یظهره‌الله است.

هوالحی

سبحان‌الله از این ساعت و وقت که جوهر نور قمیص طیور پوشیده که شاید در رضوان حبّ هوّیه داخل شود و بر افنان شجره وفا و اغصان سدره بقا جالس شود و ساذج وجود بُرقع حدود در بر نموده تا قاصدی شود از عماء حُبّ و به مدینه سبای عشق راه یابد تا از غَلَبات ذوق و جَدَبات شوق قسمت بَرَد و نصیب بردارد و هیکل قدس رداء نسیم صبا قبول نموده که شاید از هجرات مدینه وارد شود و بر شعر جلال و وجه جمال محبوب بوزد تا از معاشرت و مجالست آن کسب روایح کافور سنا و طیب بقا نماید و هیئت صمدیه ثوب منیر مصباحی را حامل گشته تا در آن بیوت بین یدی محبوب مشتعل و مستوقد گردد و بحر اعظم چون نهری شده که شاید در آن رضوان ساری و جاری گردد. سبحان‌الله چه مجلس قدسی برپا گشته و چه بساط بزم خوشی گسترده گشته. جمیع کرّوبین ملأ اعلیٰ مقامات قدس قرب رفراف ابهی و سدره منتهی را از قلب ستردند و محو نمودند و گوش هوش مراتب روح را از نعمات ورقاء عرشی و ترنمات ادیاک عزّ صمدی مجرد و منزّه نمودند تا در آن مقام وارد شوند و به آنچه در آن عالم است مفتخر و مشرف گردند. ولکن ذلک فضلٌ یظهرُ من خفیات الأمر علی من یشاء و کذلک یُعطی کیف یشاء و ینطق کیف یشاء و یُنْفِقُ کیف یشاء و اِنَّه لمقتدرٌ علی ما یشاء و اِنَّه هو المقتدرُ المحبوب.

این ایام که طیور عماء وجود در سماء شهود جمع گشته و صف زده‌اند، هُدُود جذب مکنت از هوای عزّ قدرت پرواز نمود و از مشرق لایزالی به مغرب ازلی رو نمود تا از مدینه هوّیه حبّ چه پیام آرد (مجموعه آثار قلم اعلیٰ، شماره ۳۲، ص ۷۰ / حدیقه عرفان، ص ۱۲۱).

[توضیح: بین این دو نسخه تفاوت‌هایی وجود دارد. در متن حدیقه عرفان به جای "ذکر اول مجلس من‌یظهره‌الله است، هوالحی"، فقط "هو" ذکر شده است؛ به جای "طیور پوشیده" عبارت "طیور پوشید" نوشته شده است. در متن مندرج در مجموعه، بین "مشتعل" و "مستوقد" حرف "و" وجود ندارد. در متن مجموعه به جای "ولکن ذلک فضل" عبارت "و ذلک فضل" ذکر شده. در متن مجموعه دو سطر پایانی "این ایام که طیور عماء چه پیام آورد" وجود ندارد.]

[توضیحات: عبارت "جوهر نور" در کلمات مکنونه عربی آمده است که در انسان به ودیعه نهاده شده است. شاید اشارتی به انسان کامل باشد. / سازج وجود در آثار حضرت اعلیٰ به نفس مبارک موعود اطلاق شده است. در آثار جمال مبارک به حضرت اعلیٰ اطلاق شده است: "چون در آن ایام شمس مُشرق بوده ولکن خلف سحاب تماماً لمیقات الله، لذا آن سازج وجود تلقاء شمس قائم ... " (مائدة آسمانی، ج ۸، ص ۱۰۵) / برای "هجرات" معنایی نیافتم. شاید اشتباه سهوی باشد و اصل آن "حجرات" بوده باشد. حجرات، به ضمّ ح و ج، جمع حُجره است که به معنای اطاق و غرفه آمده است. دهخدا گوید که "حجره" جایی است که در میان سیاهچال واقع بود و ارمیای نبی را آنجا حبس نمودند و به کتاب ارمیا، باب ۳۷، آیه ۱۶، استناد کرده است. / ادیاک جمع دیک به معنی خروس؛ از القاب مظاهر ظهور است که به "دیک عرشی" معروف است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "اگر تعرّض مستکبرین ... نبود و فریاد بر منابر و بیداد اکابر و اصاغر و تکفیر جهلاء و عربده بلهائ نبود ... کشور امریک و افریک تاریک چگونه ندای الهی می‌شنید و صیاح دیک عرشی استماع می‌نمود؟" (من مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ص ۲۴۷)]